

## نگاه کوتاه به منبع شناسی تاریخ امام حسین (ع)

عبدالحکیم کاظمی

### چکیده

حادثه عاشورا یک پدیده تاریخی است اما اهمیت آن برای مسلمانان بخصوص شیعیان باعث شده تا همواره ایام شهادت امام حسین (ع) فرصتی برای بازگویی علت و اهداف شهادت آن حضرت باشد و سیل مشتاقان این مسیر، حادثه عاشورا را همواره تازه نگه‌دارند؛ اما سوگمندان عوام‌زدگی و ورود راویان ناوارد یا ناهل، باعث ورود تحریف‌های محتوایی فراوان در تاریخ عاشورا شده است. از این رو بایسته است که این حادثه از زاویه تاریخی و با روش علمی معرفی گردد. از آنجایی که عاشورا در قرن نخست هجری رخ داده است، مورخان، منابع قرن اول تا هفتم را که به عاشورا پرداخته‌اند، از منابع اصلی عاشورا می‌دانند و پذیرفتن مدعیات منابع قرون بعدی منوط به تأیید از منابع اصلی است. البته منابع قرون نخست هم از تحریف نسبی خالی نیستند و این، هوشمندی سخنرانان را می‌طلبد. در این سیاهه تلاش شده عمده منابع عاشورا - و نه همه - معرفی شود. البته برخی منابع که خودشان از بین رفته اما محتوایشان در منابع دیگر منعکس یافته، نیز معرفی شده است. چون حادثه



عاشورا تنها مربوط به شیعیان نیست، منبع شناسی امام حسین (ع) نیز شیعه- سنی پذیر نخواهد بود. منابع قرن هشتم و نهم از تحریفات به طور نسبی مصون‌اند اما تحریف‌های تاریخ عاشورا عمدتاً از قرن دهم به این سو رو به ازدیاد بوده است که اجتناب از آن‌ها لازم و ضروری است به همین جهت برخی از آثار تحریف ساز نیز معرفی شده است.

#### اشاره

امام حسین (ع) به دلیل تأثیرگذاری فراوانش در جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی، اهمیت فراوان در تاریخ اسلام و مسلمانان یافته است. این اهمیت، باعث پیامدهای فراوان نیز بوده که برگزاری مراسم‌های یادبود، سرودن شعر، نوشتن آثار مکتوب و غیره از آن جمله‌اند. در میان شیعیان به دلیل تأکید امامان، توجه بیشتر به آن شده است و مطابق با فرهنگ‌های مختلف، مدل‌های گونه‌گون مراسم عزاداری در سراسر جهان برگزار می‌گردد. این اقبال و توجه به امام حسین (ع) گاه باعث پیامدهای ناگوار می‌گردد که باعث تخریب جایگاه آن امام همام است؛ و چون مراسم معمولاً با دو محتوای تاریخی و مراثی بوده است، لازم است به منابع درست هردو بخش پرداخته شود تا زمینه یابوهرسرای‌ها و غلو و اغراق گرفته شود. در این سیاهه تلاش بر این است که به صورت مختصر، منابع مهم تاریخی، مورد شناسایی قرار گیرد و نیز نحوه بهره‌گیری از منابع و مآخذ، مورد توجه قرار بگیرد. روشن است که منابع حدیثی از حوزه این مقاله خارج است.

کلیدواژگان: امام حسین، مقتل الحسین، منابع امام حسین، مراثی و روضه خوانی.

#### ۱- منبع‌شناسی تاریخی

#### ۱-۱- روایت تاریخی و روایت حدیثی

هنگامی که درباره امام حسین (ع) و قیام آن حضرت، سخن از منبع‌شناسی مطرح می‌گردد، باید به این نکته توجه داشت که حادثه عاشورا، از زاویه تاریخی مورد توجه است؛ توضیح این‌که حوادث تاریخی مخصوصاً صدر اسلام، به دلیل نوعی چهره تقدس آمیزی که به خود گرفته‌اند، در دو قالب به نسل‌های بعدی انتقال یافته‌اند؛ یکی قالب روایت حدیثی که شامل کلیه رفتارها و سخنان پیامبر (ص)، امامان شیعه و شاید بتوان گفت، صحابه است. مسلمانان قرون بعدی مجموعه این روایات را در مجموعه‌های بزرگ «حدیثی» گردآوری کرده‌اند و برخی از این آثار، حتی در رده بعد از قرآن قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های مهم این روایات چند چیز است؛ اول این‌که به عنوان متون دینی، بیانگر دیدگاه اسلام است و می‌تواند در فتاوا، مبنای دینی فتوای یک عالم دینی قرار گیرد. دوم این‌که این آثار به دلیل تقدسشان، در نزد همه مسلمانان به صورت نسبی، محترم هستند و بسته به رده‌بندی‌ای که این آثار دارند، جایگاه ارزشمند را دارا هستند. سوم این‌که لزوماً این آثار، بیانگر یک حادثه نیستند؛ بلکه به حادثه، نگاه کاملاً فرعی و درجه دومی دارند. اصل، محتوای این روایات است؛ بنابراین، استفاده تاریخی از آن‌ها کم‌رنگ است. چهارم این‌که متون این روایات اهمیت فراوان دارند و مطابق دیدگاه حدیث‌شناسان، نباید متن این احادیث تغییر یابد.

به طور طبیعی، معیار پذیرش این روایات، همان معیارهایی است که در دیگر روایات، لحاظ می‌گردد؛ مانند اتصال سند، وثاقت روات و صحت محتوا.

نوع دوم روایات، روایات تاریخی و گزارش‌های حوادث است. از آنجا که در قرن‌های نخستین - مخصوصاً در مکتب تاریخ‌نگاری مدینه - قانون روایات حدیثی بر روایات تاریخی نیز سایه انداخته بود، روایات تاریخی، مانند احادیث،



به صورت معنعن و مستند<sup>۱</sup> نقل می‌شدند و از دید محدثان، روایات تاریخی و روایات حدیثی به لحاظ نقد و بررسی و اهمیت، فرقی نداشتند. این، یک اشتباه بزرگ بود؛ زیرا در پذیرش گزارش حوادث یا روایت تاریخی، کافی است که مورخ از خلال مقایسه گزارش‌های درست و نادرست، مطمئن شود که گزارش فلانی از فلان حادثه درست بوده؛ ولو آن‌که سلسله سند، تغییر نیافتگی متن روایت و خیلی از شرایط دیگر، محرز نباشد. بنابراین، تاریخ‌نگاری، نوعی اجتهاد دشوار و متفاوتی است که مورخ، مبانی و معیارهای مخصوصی را در پذیرش یا رد روایات تاریخی لحاظ می‌کند و هیچ الزامی وجود ندارد که این مبانی و معیارها، عیناً همان معیارهای فقهی/حدیثی باشند.

اشتباه بزرگ رجالیان و اهل حدیث در این بود که شرط‌های پذیرش روایات گزارشگران را با کسانی که نقل حدیث می‌کردند، یکی می‌پنداشتند؛ یکی از علل عمده این اشتباه آن بود که هم بر روایت تاریخی و هم بر روایت حدیثی، عنوان «روایت» اطلاق می‌شد. از این رو- به عنوان مثال- می‌بینیم که بسیاری از رجالیان، ابومخنف<sup>۲</sup> را «ثقه» [= راستگو] نمی‌دانند! چون او از افراد مجهول روایت کرده! غافل از این که ابومخنف، نقل حدیث نمی‌کند، بلکه گزارش حوادث می‌دهد. گزارش، از هر فرد کوچکی و بازاری ممکن است باشد. چون این افراد از دید محدثان ناشناخته‌اند، فتوا می‌دهند که روایات او، ارزشی ندارند! این اشتباه، باعث بدبینی‌ها و اشتباهات بزرگ‌تر شده است. بنابراین، هر کسی که در باب حوادث صدر اسلام، از جمله حادثه عاشورا تحقیق دارد، باید متوجه این اشتباه باشد.

۱- مانند تاریخ طبری که هر حادثه به صورت مستند است؛ یعنی طبری می‌گوید: فلانی روایت کرد از فلانی و... تا فرد اولی که شاهد ماجرا بوده.

۲- یکی از کسانی که در قرن دوم کتابی به نام مقتل الحسین دارد. درباره او اشاره خواهد شد.

اکنون باید دانست که وقتی از «منابع کربلا»، یا «منابع امام حسین (ع)» سخن می‌گوییم، دقیقاً با نگاه تاریخی است، نه حدیثی؛ چرا که بسیاری از حوادث، اصلاً در منابع حدیثی نیامده و توقع هم نمی‌رود که امامان (ع) درباره جزئیات سفر و نیز حوادث مسیر کربلا و غیره، گزارشگری کنند. از این رو، ما می‌توانیم یک روایت تاریخی از صحنه کربلا یا مسیر اسرای کربلا و غیره را با روش تاریخی، نقد، قبول یا رد کنیم. از این رو، در باب تاریخ امام حسین (ع) تا زمانی که گزارش‌ها و روایات، تاریخی باشند، با روش تاریخی باید بررسی و پذیرفته شوند. این که بسیاری از دروغ‌ها - مانند این که امام حسین (ع) در هر حمله هزاران نفر را می‌کشت! و خواب‌های عجیب و غریب و غیره - را به امام حسین (ع) نسبت داده‌اند، ناشی از بی‌توجهی به همین نکته است. صرفاً قانع کردن مردم به این که امام می‌تواند کارهای معجزه‌آمیز هم بکند، مجوز دروغ بستن به امام نیست.

## ۲-۱- رعایت روش تاریخی- علمی

نکته دیگر که حتماً باید به آن توجه شود، رعایت روش‌شناسی تاریخی در حکایتگری از زندگی امام حسین (ع) به خصوص، حادثه عاشورا است؛ توضیح این‌که: وقتی ما - مثلاً - در باب اجلاس بن، حکایتگری می‌کنیم، نخست، باید خبر را از کسانی که در خود جلسات حضور داشته‌اند بگیریم؛ و اگر به آن‌ها دسترسی نداشته باشیم، در رده بعد، از کسانی که خبر را از حاضرین در جلسه شنیده‌اند، گزارش کنیم و به همین ترتیب. از این رو، در صورتی که گزارشگر رده اول موجود باشد، حکایت از گزارشگر رده پنجم، کار غیرعلمی است. به همین دلیل، بسیار اشتباه است که با وجود منابع قرن‌های نخست، از بحار الانوار که از آثار قرن یازدهم- دوازدهم هجری است، حکایت کنیم. بدون



آن که تأییدی برای آن از منابع قرن‌های نخست بیابیم. از این رو، بایسته است واعظان، نویسندگان، مداحان و روضه‌خوانان، بر علمی بودن محتوای آنچه را که در باب امام حسین (ع) به خورد مردم می‌دهند، دقت لازم داشته باشند و سعی‌شان بر این باشد که حتی المقدور از منابع هفت قرن نخست، گزارش کنند و گزارششان از منابع قرون بعدی، باید مستند به منابع قرون قبلی باشد یا - دست کم- تأییدی از منابع هفت قرن نخست داشته باشد.

توضیح کوتاه در باب هفت قرن نخست ضروری به نظر می‌رسد؛ مطابق روش تاریخی- علمی، حادثهٔ قرن اول، از منابع همان قرن باید به دست آید؛ یا حداکثر از منابع قرن دوم؛ اما مثلاً منبع قرن ششم و هفتم، چطور می‌تواند سند علمی برای حادثهٔ قرن اول باشد؟

در پاسخ باید به چند نکته اشاره شود؛ اولاً: تاریخ‌نگاری مسلمانان، روش‌ها و رویکردهای گوناگون و احیاناً متضادی داشته که عمدتاً از مسائل دیگر سرچشمه می‌گرفته است؛ مثلاً مکاتب اولیه تاریخ‌نگاری مسلمانان (تاریخ‌نگاری مدینه) تقدس‌گرا بوده و مکاتب قرن‌های بعدی (مکتب عراق)، نگاه آزادتری داشته‌اند. این تضاد، در کمرنگ شدن و بی‌ارزش شدن بسیاری از روایات تاریخی، تأثیر گذاشته است. ثانیاً: توان ثبت حوادث تاریخی مسلمانان، در قرن نخست، ضعیف بوده است. در نتیجه، منابع تاریخی قرن اول، بیشتر به صورت نقلی است و اندکی هم تکنگاری است. در نیمهٔ اول قرن دوم نیز تکنگاری فراوان است؛ یعنی فردی مانند ابومخنف، اگر چه کتاب دارد، هر کتابش شاید از صد یا صد و بیست روایت تجاوز نمی‌کند. عمدهٔ کتاب‌ها، کتاب‌های نازک و در موضوع خاص هستند؛ مثلاً یک کتاب فقط در باب قتل عثمان بن عفان خلیفه

سوم مسلمانان است. یک کتاب فقط درباره رده است<sup>۳</sup> و همین‌طور... بنابراین، کتابی که جامع همهٔ حوادث تاریخی صدر اسلام باشد، در قرن‌های اول کم است. این ویژگی، عامل گم شدن بسیاری از کتاب‌ها بوده است. ثالثاً: ضعف ابزاری مانند قلم، کاغذ و غیره در ثبت نشدن قضایای تاریخی، در قرن نخست، نقش عمده‌ای داشته است. رابعاً: نبود کتابخانه به عنوان مرکز نگهداری کتاب در قرن اول و حفظ کتاب‌ها در حافظه‌های افراد و یا سرطاقچه‌های شخصی، عامل مهمی در گم شدن یا از یاد رفتن کتاب‌ها و روایات تاریخی و جلوگیری از انتشار محتوای آن‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که شمار قابل توجهی از روایات و گزارش‌های تاریخی مندرج در آن‌ها تا مدت‌ها و قرن‌های بعدی، مهجور و مغفول مانده بوده است. خامساً: از همه مهم‌تر، طرفداران تاریخ‌نگاری مدینه، تاریخ‌نگاری عراق را - که عمدهٔ منابع تاریخی، محصول آنجاست - اصلاً قبول نداشته و آن را بی‌ارزش می‌دانسته‌اند. این گرایش، در نابودی و کم‌توجهی نسبت به آثار تاریخی مکتب عراق، تأثیرگذار بوده است. این عوامل می‌رساند که در قرن اول و دوم، نابودی آثار تاریخی بسیار آسان بوده و به همین دلیل، منابع مکتوب، از این دو قرن، کم مانده است.

بنابراین، خلاصهٔ پاسخ به پرسش پیشین آن است که: فرهنگ حفظ روایات و نقل شفاهی گزارش‌های تاریخی، کمبود ابزار نوشتاری، رواج گسسته‌نگاری و تکنگاری، نبود کتابخانه و مراکز نگهداری منابع تاریخی، به خصوص اعمال معیار اشتباه در ثبت روایات تاریخی و بی‌اعتبار انگاشتن روایاتی که فاقد این معیار بودند، باعث ثبت نشدن بسیاری از رخداد‌های قرن‌های اول یا گم شدن

---

۳ - بعد از رحلت پیامبر، شماری از قبایل شبه جزیرهٔ حجاز از دین برگشته و از دادن زکات به خلیفه وقت خودداری کردند. در منابع تاریخی، به آن‌ها مرتدین و اصحاب الرده، اطلاق شده و جنگ‌هایی که با آنان صورت گرفته به جنگ‌های رده معروف‌اند. [ویراستار]



بسیاری از گزارش‌های تاریخی این قرن بوده است. بدین‌سان علت مراجعه مورخ به روایات قرن‌های سه و چهار و... برای فهم حوادث قرن‌های نخستین هجری، هم کمبود منابع قرن‌های اولیه است و هم مغفول ماندن روایاتی است که در قرن‌های نخستین به آن‌ها اعتنا نمی‌شده است.

پس از عصر ترجمه و ورود علوم به بغداد و انتقال پایتخت از قلمرو اعراب به عراق که از حوزه‌های ایران تاریخی است، روش‌های تاریخ‌نگاری روم، یهود، ایران تاریخی و غیره نیز منتقل شد. منابع تاریخی فراوان و جامعی که انبوهی از موضوعات مختلف را در خود جای می‌داد، به وجود آمد؛ منابعی که به دست ما نیز رسیده است. این منابع، بسیاری از تکنگاری‌ها و کتاب‌های نازک را در خود جای داده‌اند؛ ولی در عین حال، بسیاری از کتاب‌های نازک، گلچین شده و همه آن‌ها در کتاب‌های حجیم‌تر نیامده و برخی نیز اصلاً نیامده‌اند. نکته قابل توجه آن که خود آن کتاب‌های نازک تا قرن‌های پنجم و ششم و هفتم باقی بوده‌اند. به عنوان نمونه چند تا از *مقتل الحسین (ع)* را ما از منابع قرن هفتم می‌شناسیم که در منابع بزرگ پیش از آن نیامده است.

به دلیل همین نکته است که برخی، منابع قرن اول تا پنجم (و برخی دیگر تا قرن ششم) را از منابع دسته اول حوادث قرن اول می‌دانند. در خصوص امام حسین (ع) حد منطقی‌اش همان قرن هفتم است. ولی در منابع قرن هشتم و نهم، باید تفصیل قائل شد؛ چون در برخی از منابع این دو قرن، خزعبلات و اوهام نسبت به تاریخ امام حسین (ع) پیدا شده است.

متأسفانه از قرن دهم به بعد، هم درباره امام حسین (ع) کتاب زیاد نوشته شده و هم این آثار، انبوهی از تحریفات و دروغ‌ها را به خورد مردم داده است. البته برخی از آثار نیز ارزش تاریخی دارند و مانند آثار قرن شش و پنج



هستند. البته در همه منابع، جای نقد و بررسی برای محقق در تاریخ امام حسین (ع) وجود دارد. حتی در منابع قرن دوم و سوم؛ بنابراین، اصل تعقل و بررسی علمی روایات تاریخی یک ضرورت همیشگی است. مخصوصاً در مورد امامان (ع) که نهایت احتیاط و دقت صورت گیرد تا احساسات، ما را به دروغ بستن به آنان وادار نسازد. به دلیل اهمیت این نکته است که سعی شده در این سیاهه منابع، بر اساس تاریخشان معرفی گردند. ضمن این که بسیاری از منابعی که از بین رفته‌اند؛ ولی محتوای آن‌ها در آثار دیگر منتقل شده است نیز معرفی می‌گردند.

## ۲- امام حسین (ع) و شیعه/سنی

نکته دیگر درباره منبع‌شناسی قیام امام حسین (ع)، توجه به زاویه بحث است؛ به این معنا که امام حسین (ع) مثلاً از دید کلامی/اعتقادی، برای جامعه سنی، در شمار صحابه و از دید شیعی، از زمره پیشوایان معصوم آن‌ها به شمار می‌رود. این مقاله از این زاویه به بررسی پرداخته و آن را به اهل فن و در جای خود سپرده است. از این رو، در این نوشته، به منابعی که درباره امام حسین از منظر کلامی و اعتقادی سخن گفته و در زمره منابع حدیثی و کلامی قرار دارند، پرداخته خواهد شد.

نگاه ما در این نوشتار، صرفاً از زاویه تاریخی است و تلاش بر این است که منابع اصیل تاریخی را که از انحرافات در گزارشگری‌هایمان جلوگیری کنند، معرفی کنیم. البته فهرست کردن تمام منابع، ناممکن است؛ زیرا انبوهی از آثاری که در باب این امام همام نوشته شده، امروزه به هزاران جلد رسیده و حتی مجموعه‌های فراوانی فقط در باب کتاب‌شناسی امام علیه السلام پرداخته‌اند. گفتنی است، روایتگری صحیح از امام حسین (ع) شیعه- سنی پذیر نیست و



چنان‌که خواهیم دید، منابع اصیل، هم شیعی هستند و هم سنی. سوگمندان باید گفت: آثار شیعیان پس از قرن دهم تا اواخر قاجاریه، سهم بزرگی در ساختن داستان‌های دروغ و پرداختن به تحریفات داشته و ظلم مضاعفی را بر امام و اهل بیت (ع) روا داشته‌اند. گرچه محققان دلسوز در قرن‌های اخیر برای مبارزه با تحریفات، تلاش‌های فراوانی کرده و طی یک سده اخیر، از تولید آثار خرافی به شدت کاسته شده است؛ با این حال، در یکی دو دهه اخیر، باز هم بازار کتاب‌های روضه که اکثراً داستان‌سرایی بوده و فاقد منبع اصیل‌اند، رو به اوج می‌رود و بدبختانه تشویق هم می‌شود. از این رو، بر دلسوزان اسلام و مسلمین و محققان و سخنرانان و مداحان است که نهایت دقتشان را در حفظ حرمت پیشوایان داشته باشند.

### ۳- منابع قرن اول تا هفتم

همان‌طور که اشاره شد، منابع اصلی حوادث قرن نخست، کتاب‌ها و گزارش‌هایی‌اند که از قرن اول تا هفتم نوشته شده‌اند. در قرن اول، به دلیل ضعف کتابت و این‌که هنوز کتاب‌نویسی رسم نشده بود، اثر کمتری داریم و بیشتر حوادث، به صورت شفاهی، به نسل بعدی منتقل شده و در آثاری که در قرن دوم پدید آمده، منعکس شده‌اند. از این رو درباره امام حسین (ع) انتظار نداریم که کتابی در قرن نخست نوشته شده باشد. ولی از کتاب‌هایی که از قرن دوم به دست ما رسیده - مانند مقتل ابومخنف - پیداست که غالب گزارش‌ها از افراد نزدیک به حوادث و شاهدان حوادث، به دست نویسنده رسیده است. به همین خاطر، آثار قرن دوم، همان اهمیت آثار قرن نخست را می‌یابند و به همین دلیل، ما از منابع قرن دوم شروع کردیم.

#### ۳-۱ - منابعی که امروزه موجودند

#### قرن دوم

«تسمیه من قتل مع الحسین (ع) من ولده و اخوته و اهلبیته و شیعتہ» اثر فضیل بن زبیر اسدی. این اثر کوتاه، صد و شش نفر از یاران امام حسین را لیست کرده است.<sup>۴</sup>

«مقتل الحسین» (ع) ابومخنف، لوط بن یحیی.<sup>۵</sup> قسمت عمده این اثر، در تاریخ طبری و مقاتل الطالبيين آمده؛ ولی یک «مقتل الحسین» دیگر که ساختگی و مربوط به عصر قاجاریه است، منسوب به ابومخنف شده است.

### قرن سوم

- ترجمه الامام الحسین (ع)؛ این اثر، بخشی از «الطبقات الكبرى» اثر محمد بن سعد (فت ۲۳۰هـ) است.<sup>۶</sup>

- مقتل الحسین بن علی (ع)؛ این اثر، برگرفته از «عیون الاخبار» ابن قتیبہ دینوری و نیز، مختصری در الامامه والسیاسه (فت ۲۷۶هـ) است.

- مقتل الحسین (ع)؛ این اثر، برگرفته از «انساب الاشراف» بلاذری (فت ۲۷۹هـ) است.<sup>۷</sup>

- بخش مربوط به امام حسین علیه السلام از «اخبار الطوال»؛ اثر ابوحنیفہ دینوری (فت ۲۸۲هـ)<sup>۸</sup>

- بخش مربوط به امام حسین علیه السلام از کتاب «تاریخ یعقوبی»؛ اثر ابن واضح یعقوبی (فت ۲۹۲هـ)<sup>۹</sup>

### قرن چهارم

- گزارش قیام عاشورا؛ بخشی از «تاریخ طبری» (فت ۳۱۰هـ)<sup>۱۰</sup>

۴ این اثر در مجله تراثنا، سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۶هـ چاپ شده است.

۵ بخش قابل توجه این اثر (۱۱۳ روایت) در تاریخ طبری آمده و به صورت‌های مختلف چاپ شده است. طوسی، الفهرست، ص ۳۸۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱۵.

۶ ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة بخش اول ص ۳۶۹-۵۱۹.

۷ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳ ص ۱۳۶ به بعد.

۸ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۲۷-۲۶۲.

۹ یعقوبی، ج ۲ ص ۲۴۳-۲۴۷.

۱۰ طبری، تاریخ طبری، ج ۵ ص ۴۳۳-۴۷۰.



- بخشی از کتاب «الفتوح»؛ اثر احمد بن محمد بن علی بن اعثم کوفی (فت ۳۱۴هـ)<sup>۱۱</sup>
- قیام عاشورا؛ بخشی از «العقد الفرید»؛ اثر احمد بن محمد بن عبد ربه اندلسی (فت ۳۲۸هـ)<sup>۱۲</sup>
- مقتل الحسین (ع)؛ بخشی از کتاب «المحن»؛ اثر ابوالعرب محمد بن احمد بن تمیم تمیمی (فت ۳۳۳هـ)<sup>۱۳</sup>
- بخش قیام کربلا در «مروج الذهب»؛ اثر علی بن الحسین مسعودی (فت ۳۴۶هـ)<sup>۱۴</sup>
- مقتل الحسین (ع)؛ بخشی از کتاب «البدء والتاریخ»؛ اثر مقدسی بُستی (فت ۳۵۵هـ)<sup>۱۵</sup>
- مقتل الحسین (ع)؛ بخشی از کتاب «مقاتل الطالبیین»؛ اثر ابوالفرج اصفهانی (فت ۳۵۶هـ)<sup>۱۶</sup>
- مقتل الحسین (ع)؛ بخشی از کتاب «المعجم الکبیر»؛ اثر سلیمان بن احمد طبرانی (فت ۳۶۰هـ)<sup>۱۷</sup>
- «کامل الزیارات»؛ اثر جعفر بن محمد بن قولویه قمی (فت ۳۶۷؟ ۳۶۹ هـ)<sup>۱۸</sup>
- در بخشی از این اثر که به صورت روایی و از سوی علما پذیرفته شده است، به امام حسین (ع) از زاویه درون‌دینی نگاه کرده است و بسیاری از مسائل عاطفی و دینی را در باب امام حسین علیه السلام و زیارت و عزاداری‌اش بیان کرده

۱۱ ابن اعثم، الفتوح، ج ۴ ص ۳۲۲- تا پایان کتاب، ج ۵، ص ۵- ۱۳۹.

۱۲ ابن عبد ربه، العقد الفرید، ج ۵ ص ۱۲۵- ۱۳۶.

۱۳ تمیمی، المحن، از ص ۱۴۸ تا ۱۶۴.

۱۴ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳ از ص ۵۴ تا ۶۳.

۱۵ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۶ ص ۸- ۱۳.

۱۶ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۸۴ تا ۱۲۲ و صفحات دیگر.

۱۷ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳ ص ۹۴ به بعد. حدیث شماره ۲۷۶۶ به بعد.

۱۸ قمی، کامل الزیارات، با ۱۴ از ص ۵۰ تا باب ۹۸ ص ۲۹۸.



است. این اثر می‌تواند جایگزین مطمئن برای بسیاری از آثاری باشد که از قرن هفتم به بعد نشر شده و ارزش کمی دارند.

- بخش تاریخ امام حسین (ع): از ترجمه تاریخ طبری به نام «تاریخنامه طبری» به انشای ابوعلی بلعمی (قرن چهارم هـ)

- «شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار» (ع): اثر قاضی نعمان تمیمی مغربی (فت ۳۶۳ هـ)<sup>۱۹</sup>

- مقتل الحسین (ع): بخشی از کتاب «تاریخ الخلفاء»؛ از نویسنده نامعلوم. چاپ شده با تحقیق استاد جعفریان.

- «مقتل الحسین» (ع): از نویسنده مجهول.<sup>۲۰</sup>

#### قرن پنجم

- تاریخ و فضایل امام حسین (ع): بخشی از «المستدرک علی الصحیحین»؛ اثر حاکم نیشابوری (فت ۴۰۵ هـ)<sup>۲۱</sup>

- تاریخ عاشورا و امام حسین (ع): بخشی از کتاب «الارشاد»؛ شیخ مفید (فت ۴۱۳ هـ)<sup>۲۲</sup>

- «نور العین فی مشهد الحسین کرم الله وجهه»؛ اثر ابی اسحاق اسفراینی (فت ۴۱۷ یا ۴۱۸ هـ)<sup>۲۳</sup>

- تاریخ امام حسین (ع): بخشی از «تجارب الامم»؛ ابن مسکویه رازی (فت ۴۲۱ هـ)<sup>۲۴</sup>

- «فضل زیارة الحسین» (ع): اثر ابو عبدالله محمد بن علی شجری (فت ۴۴۵ هـ)<sup>۲۵</sup>

۱۹ قاضی نعمان، شرح الاخبار... ج ۳ جزء ۱۱ و ۱۲.

۲۰ نسخه‌ای از آن در دار الکتب قاهره است به شماره ۱۲۴۵. عاشورانامه، همان ص ۳۱. به نقل از طباطبایی، اهل البيت فی المكتبة العربیة، ص ۵۴۸.

۲۱ نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳ ص ۱۹۴ به بعد.

۲۲ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲ ص ۲۷ تا ۱۳۷.

۲۳ اسفراینی، ابواسحاق، نور العین فی مشهد الحسین، مکتبه المنار، تونس. بی‌تا.

۲۴ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۲ ص ۳۸-۸۳.



### قرن ششم

- «روضه الواعظین»؛ از محمد بن فتال نیشابوری، (فت ۵۰۸ هـ)<sup>۲۶</sup>
- «اعلام الوری بأعلام الهدی»؛ از فضل بن حسن طبرسی (فت ۵۴۸ هـ)<sup>۲۷</sup>
- «مقتل الحسین» (ع)؛ از ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی (فت ۵۶۸ هـ).
- وی از منابع شیعه و سنی استفاده کرده<sup>۲۸</sup> و کتابش از آثار قابل توجه است که در دسترس است.
- بخشی از کتاب «مناقب آل ابی طالب»؛ اثر ابن شهر آشوب (فت، پیش از ۵۸۵ هـ)<sup>۲۹</sup>
- «ریحانة الرسول»؛ بخشی از کتاب «تاریخ مدینه دمشق»؛ اثر ابن عساکر (فت ۵۷۱ هـ)<sup>۳۰</sup>
- قیام امام حسین (ع)؛ بخشی از کتاب «الفتوح»؛ اثر ابن اعثم، ترجمه از محمد بن احمد مستوفی هروی در (۵۹۶ هـ)<sup>۳۱</sup>
- «الرد علی المتعصب العنید»؛ اثر عبدالرحمن بن جوزی (فت ۵۹۷ هـ)<sup>۳۲</sup> این اثر در پاسخ به کسی به نام شیخ عبدالمغیث از معاصران ابن جوزی نوشته شده است. عبدالمغیث، کتابی در حمایت از یزید و عدم جواز لعن او نوشته بوده و ابن جوزی در این اثر، آن را رد می‌کند.

---

۲۵ شجری، محمد بن علی بن حسن شجری، فضل زیارة الحسین، به کوشش: سید احمد حسینی- محمود مرعشی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ هـ.

۲۶ نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱ ص ۳۸۶-۴۴۲.

۲۷ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱ ص ۴۱۹-۴۷۸.

۲۸ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، انتشارات انوار الهدی، قم، ۱۴۲۳ هـ.

۲۹ ابن شهر آشوب، المناقب، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ هـ ص ۴۸ تا ۱۲۸.

۳۰ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴ ص ۱۱۱ تا ۲۶۰.

۳۱ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به کوشش: غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.

۳۲ ابن جوزی، الرد علی المتعصب العنید، به کوشش: محمد کاظم محمودی، بی.نا. بی.جا. ۱۴۰۳ هـ (به نقل از: اسفندیاری، کتاب شناسی امام حسین (ع) ص ۷۵)

- ابن جوزی، اثر بزرگ دیگری به نام «المنتظم فی تاریخ الامم والملوک» دارد که سال‌شمار است و در ذیل سال ۶۰ و ۶۱ هجری به قیام امام حسین علیه السلام نیز پرداخته است.<sup>۳۳</sup>

### قرن هفتم

- بخش مربوط به امام حسین (ع) در «الکامل»؛ اثر ابن اثیر (فت ۶۳۰هـ)<sup>۳۴</sup>
- «مثیر الاحزان»؛ اثر نجم الدین محمد مشهور به ابن نمای حلی (فت ۶۴۵هـ)<sup>۳۵</sup>
- بخش مربوط به امام حسین (ع) در «الحدایق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه»؛ اثر حمید بن احمد بن محمد محلی (فت ۶۵۳هـ)<sup>۳۶</sup>
- «درر السمط فی خیر السبط»؛ اثر محمد بن عبدالله معروف به ابن ابار بلنسی (فت ۶۵۸هـ)<sup>۳۷</sup>
- بخش مربوط به امام حسین (ع) از کتاب «تذکره الخواص»؛ اثر سبط بن جوزی (فت ۶۵۴هـ)<sup>۳۸</sup>
- بخش مربوط به امام حسین (ع) از کتاب «بغیة الطلب فی تاریخ حلب»؛ اثر ابن عدیم (فت ۶۶۰هـ)<sup>۳۹</sup>
- «المهوف علی قتلی الطفوف»؛ از سید رضی الدین ابوالقاسم معروف به سید ابن طاووس (فت ۶۶۴هـ)<sup>۴۰</sup>

۳۳ ابن جوزی، المنتظم، ج ۵ ص ۳۲۲ تا ۳۲۹ و ص ۳۳۵ تا ۳۴۷.

۳۴ ابن اثیر، الکامل، ج ۴ ص ۱۸ تا ۹۴.

۳۵ ر.ک: منابع این نوشتار.

۳۶ این اثر در باب ائمه زیدیه است که از امیر المومنین شروع شده و پس از امام حسین (ع) به حسن مثنی و زید شهید و تا ۳۰ امام ذکر شده است. الذریعه، ج ۶ ص ۲۹۱.

۳۷ ر.ک: منابع همین نوشتار.

۳۸ ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۱۰-۱۵۷.

۳۹ ابن عدیم، بغیة الطلب، ج ۶ ص ۲۵۶۲-۲۶۱۷.

۴۰ ر.ک: منابع همین نوشتار.



- بخش مربوط به امام حسین (ع) در کتاب «کشف الغمه»؛ اثر علی بن عیسی اربلی (فت ۶۹۲ هـ)<sup>۴۱</sup>

- بخش مربوط به امام حسین (ع) در کتاب «الکامل فی السقیفه»؛ (کامل بهایی)، اثر عمادالدین طبری (زنده در ۷۰۱ هـ)<sup>۴۲</sup>

۲-۳- منابعی که امروزه در دست نیستند

این منابع، اکنون در دست ما نیستند؛ ولی روایاتی از آنها در منابع بعدی منعکس شده و به دست ما رسیده است:

### قرن دوم

- «مقتل الحسین» (ع)؛ اثر جابر بن یزید جعفی از اصحاب یا معاصر امام باقر و امام صادق (ع)<sup>۴۳</sup>

- «مقتل الحسین» (ع)؛ از قاسم بن اصیغ بن نباته. وی اثری به این نام داشته و طبری از او نقل کرده است.<sup>۴۴</sup>

- «مقتل الحسین» (ع)؛ از امام باقر و امام صادق (ع). برخی، مجموعه روایات منسوب به این دو امام را در حد یک مقتل دانسته‌اند.<sup>۴۵</sup> البته این نکته بعیدی نیست؛ به خصوص که در باب عزاداری به امام حسین و توجه به آن حضرت در عصر این دو امام، توجه و توصیه زیاد شده است.

---

۴۱ اربلی، کشف الغمه، ج ۱ ص ۵۵۰-۶۱۸.

۴۲ رک: منابع این نوشتار.

۴۳ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۸-۱۲۹. نیز، کشی، رجال، ج ۲ ص ۴۲۶؛ و مفصل‌تر در باب او؛ اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱ ص ۱۴۴ به بعد و ساعدی، الضعفاء من رجال الحدیث، ج ۱ ص ۳۲۰. استرآبادی، منهج المقال، ج ۳ ص ۱۶۹.

۴۴ طبری، تاریخ طبری، ج ۵ ص ۴۴۹. طوسی، الفهرست، ص ۸۹. استرآبادی، منهج المقال، ج ۲ ص ۳۷۹. امین، اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۲۵۳.

۴۵ جمعی از نویسندگان، عاشورانامه، ص ۲۳-۲۴.



- «مقتل الحسين» (ع): از عمار بن ابی معاویه دهنی (فت ۱۳۳). مطابق روایاتی که طبری از او در باب حادثه عاشورا نقل کرده، ۴۶ می‌شود گفت کتابی در این باب داشته است.

### قرن سوم

- «مقتل الحسين» (ع): از هشام بن محمد کلبی (فت ۲۰۴ یا ۲۰۶هـ)<sup>۴۷</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از محمد بن عمر واقدی (فت ۲۰۷هـ)<sup>۴۸</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از ابو عبیده معمر بن مثنی (فت ۲۰۹هـ)<sup>۴۹</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از نصر بن مزاحم منقری (فت ۲۱۲هـ)<sup>۵۰</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از ابو عبیده، قاسم بن سلام هروی (فت ۲۲۳ یا ۲۲۴ هـ)
- «مقتل الحسين بن علی (ع) یا السیره فی مقتل الحسين» (ع): از علی بن محمد مدائنی بغدادی (فت ۲۲۴-۲۲۵) ۵۱
- «المقتل»: از احمد بن حنبل (فت ۲۴۱هـ)<sup>۵۲</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی (فت ۲۶۹هـ)<sup>۵۳</sup>
- «المقتل»: از عبدالله بن عمرو وراق (فت ۲۷۴هـ)<sup>۵۴</sup>
- «مقتل الحسين» (ع): از ابن ابی الدنيا (فت ۲۸۱هـ)<sup>۵۵</sup>

- ۴۶ طبری، ج ۵ ص ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۸۹.
- ۴۷ نجاشی، رجال، ص ۴۳۵.
- ۴۸ ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۴۴.
- ۴۹ نمونه روایات او در این باب، طبری، تاریخ طبری، ج ۵ ص ۵۰۶. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸ ص ۲۳۲.
- ۵۰ نجاشی، رجال، ص ۴۲۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۳۷. طوسی، الفهرست، ص ۴۸۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۲۶.
- ۵۱ طوسی، الفهرست، ص ۲۷۸. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۷۲.
- ۵۲ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴ ص ۸۷.
- ۵۳ نجاشی، رجال، ص ۱۲۹. طوسی، الفهرست، ص ۱۶. طوسی، الاستبصار، ج ۴ ص ۳۳۴. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۷. استرآبادی، منهج المقال، ج ۱ ص ۲۶۴.
- ۵۴ ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۳۹.
- ۵۵ طوسی، الفهرست، ۲۹۸. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۷۶. استرآبادی، منهج المقال، ج ۷ ص ۱۱۵.



- «مقتل الحسين» (ع)؛ از ابواسحاق، ابراهیم بن محمد بن سعید کوفی صاحب الغارات، (فت ۲۸۳هـ)<sup>۵۶</sup>

- «مقتل الحسين» (ع)؛ از حسن بن سهل مجوز بصری (فت ۲۹۰هـ)

- «مقتل الحسين» (ع)؛ از ابو عبدالله محمد بن زکریا غلابی بصری بغدادی (فت ۲۹۸هـ)<sup>۵۷</sup>

### قرن چهارم

- «مقتل الحسين» (ع)؛ از محمد بن سلیمان کوفی (زنده تا ۳۰۰هـ)<sup>۵۸</sup>

- «مقتل الحسين» (ع) یا «مولد الحسين بن علی (ع) و مقتله»؛ از سلمه بن خطاب براوستانی ازدورقانی (فت ۳۰۱هـ)<sup>۵۹</sup>

- «مقتل الحسين» (ع)؛ از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بغوی (فت ۳۱۷هـ)<sup>۶۰</sup>

- «مقتل الحسين» (ع) از ابوجعفر محمد بن یحیی عطار قمی (فت ۳۲۸هـ)<sup>۶۱</sup>

- «مقتل الحسين و ذکر الحسين» (ع)؛ از ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی ازدی بصری (فت ۳۳۲هـ)<sup>۶۲</sup>

- «مقتل الحسين» (ع)؛ مجموعه روایات منسوب به شیخ صدوق (فت ۳۸۱هـ) که خودش از آن خبر داده است.<sup>۶۳</sup>

- «مقتل الحسين» (ع)؛ از محمد بن علی بن فضل، مشهور به ابن سکین (زنده در ۳۸۱هـ)<sup>۶۴</sup>

۵۶ نجاشی، رجال، ص ۱۷. طوسی الفهرست، ص ۱۳. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۳.

۵۷ ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۵۷.

۵۸ جمعی از نویسندگان، عاشورانامه، ص ۲۸.

۵۹ طوسی، الفهرست، ص ۲۲۵.

۶۰ چلبی حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲ ص ۱۷۹۴.

۶۱ نجاشی، رجال، ص ۲۵۳.

۶۲ طوسی، التهذیب، ج ۱۰ ص ۷۲. استرآبادی، منهج المقال، ج ۶ ص ۳۹۸.

۶۳ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۵۹۸. طوسی، الفهرست، ص ۴۴۳. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۶۴ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸۵، شماره ۱۰۴۶.

– «مقتل الحسين» (ع)؛ از ابوجعفر محمد بن احمد اشعری قمی (قرن چهارم هـ)<sup>۶۵</sup>

#### قرن پنجم

– «مقتل الحسين بن علی» (ع)؛ از ابوزید عماره بن زید خیوانی همدانی (فت، قبل از ۴۵۰ هـ)<sup>۶۶</sup>

– «مقتل الحسين» (ع)؛ از شیخ طوسی (فت ۴۶۰ هـ)<sup>۶۷</sup>

#### قرن ششم و هفتم

– «مقتل الحسين» (ع)؛ از مجیر الدین محمود بن مبارک واسطی بغدادی (فت ۵۹۲ هـ)<sup>۶۸</sup>

– «مقتل الشهداء»؛ (به زبان فارسی) از ابوالمفاخر رازی (قرن ششم). این اثر در اختیار کاشفی، صاحب روضه الشهداء بوده است.<sup>۶۹</sup>

– «مقتل الحسين» (ع)؛ از عزالدین ابو محمد عبدالرزاق، مشهور به رسعنی (فت ۶۶۱ هـ)<sup>۷۰</sup>

#### قرن هشتم

– رأس الحسين (ع)؛ اثر ابن تیمیه (۷۲۸ هـ). ابن تیمیه در این کتاب سعی کرده روایات گونه‌گون را در مورد محل سر امام حسین علیه السلام بیاورد و بیشتر معتقد به انتقال سر مبارک ایشان به مدینه است. ضمن این‌که در آن، مدام انتقادهایی هم به شیعیان کرده است.

– البدایه والنهایه؛ اثر بزرگ و سال‌شمار از ابن کثیر دمشقی (فت ۷۷۴ هـ). وی شاگرد ابن تیمیه و شدیداً مخالف شیعه است و در جریان تاریخ امام

۶۵ نجاشی، همان ص ۳۴۹. طوسی، الاستبصار، ج ۴ ص ۳۱۱.

۶۶ نجاشی، همان، ص ۳۰۳. شماره ۸۲۷.

۶۷ طوسی، الفهرست، ص ۴۵۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲۱

ص ۱۸۲. قهپایی، مجمع الرجال، ج ۵ ص ۱۹۳.

۶۸ اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ج ۳ ص ۴۴۶.

۶۹ کاشفی، روضه الشهداء، ص ۳۳۰، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۷ و غیره.

۷۰ زرکلی، الاعلام، ج ۳ ص ۲۹۲.



حسین علیه السلام بارها بر شیعیان خرده گرفته و حتی شبهاتی نسبت به قیام امام حسین مطرح کرده است.

#### قرن دهم و ظهور خرافات در تاریخ عاشورا

- «روضه الشهداء»؛ اثر ملاحسین کاشفی (فت ۹۱۰ هـ) این اثر، بیشتر خیالپردازی است نه تاریخی. از این رو، ارزش علمی ندارد. بسیاری از مجعولات زمان ما، منسوب به همین کتاب است. از جمله: شهادت دو نوجوان مسلم بن عقیل، نام‌های جعلی در لشکریان دو طرف، زعفر جنی، عروسی حضرت قاسم و افسانه‌های دیگر.

- «تسلیه المجالس وزینه المجالس»؛ اثر محمد بن ابی‌طالب موسوی حائری کرکی (قرن نهم- دهم) است و اکنون موجود است. این اثر به صورت مجالس، دسته بندی شده و بخشی به امام حسین اختصاص یافته است. این اثر، با روضه الشهداء کاشفی، مشابهت‌هایی دارد. از این رو، اصل مبتلا بودن اولیای الهی را پذیرفته است و می‌شود گفت، غیر معتبر است.

- «بحار الانوار»؛ اثر بزرگ علامه مجلسی (فت ۱۱۱۰ هـ) است که بخشی به امام حسین علیه السلام اختصاص یافته است. گفتنی است روایات ضعیف و نقل‌های غیر مستند در این اثر راه یافته است.

- «جلاء العیون»؛ تألیف علامه مجلسی پیش‌گفته که درباره امامان است و بخشی به امام حسین اختصاص دارد. وی منابعش را عمدتاً ذکر کرده؛ ولی روایات جعلی نیز آورده شده است.

- «مقام زخار و صمصام بتار»<sup>۷۱</sup>؛ اثر فرهاد میرزا معتمد الدوله (فت ۱۳۰۵ هـ) از رجال قاجاری است. این اثر سعی کرده از منابع ضعیف عصر صفویه به بعد استفاده نکند.

- «تظلم الزهرا (س) من اهراق دماء آل العباء»؛ اثر رضی بن نبی قزوینی (زنده در ۱۱۳۴هـ) این اثر نیز دستبردها داشته و خبرهای ضعیف و تحریف‌آمیز را در خود جای داده است.

- «محرق القلوب»؛ اثر محمد مهدی بن ابی ذر کاشانی، مشهور به نراقی (فت ۱۲۰۹ یا ۱۲۱۱هـ). وی پدر ملا احمد نراقی معروف است. این اثر نیز حاوی تحریفات زیادی است.

- «اکسیر العبادات، فی اسرار الشهادات»؛ اثر ملا آقا بن رمضان بن زاهد شیروانی، معروف به فاضل دربندی (فت ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶هـ). این اثر نیز بیشتر تفصیلی ولی بی‌ارزش و غیرعلمی و حاوی خرافات و مجعولات است. گرچه برای خرافات توجیهاات زیادی کرده است. ایشان از نخستین کسانی است که عزاداری را به روش‌های غلوآمیز رواج کرده است. وی در عزاداری لباس‌هایش را در آورده و لنگ می‌بسته و خاک به سر می‌مالیده و نخستین کسی است که قمه را رواج کرده است. برخی از داستان‌ها، مانند هفتاد و دو ساعت بودن روز عاشورا، درخواست منع حضرت عباس از انتقال جسدش به خیمه‌گاه به خاطر خجالت از سکینه و قصه‌های دیگر، منسوب به همین کتاب است.

- «الدمعه الساکبه»؛ اثر محمد باقر بهبهانی (فت ۱۲۸۵هـ) است. کتاب او متأثر از کتاب‌های ضعیف معاصران و عصر قبل از اوست؛ بنابراین از فاضل دربندی و غیره سود برده و به ترویج روش روضه الشهداء و محرق القلوب پرداخته است. از این رو عزاداری افراطی و نیز خرافات در اثر او وجود دارد.

- «ناسخ التواریخ»؛ اثر میرزا محمدتقی مشهور به سپهر کاشانی (فت ۱۲۱۶ یا ۱۲۹۷هـ). ناسخ التواریخ، کتاب حجیم در تاریخ عمومی عالم است. و یک جلد نیز به امام حسین علیه السلام، اختصاص یافته است. این جلد، مانند بقیه آثار معاصرانش، حاوی خرافات بسیاری است و بسیاری از یاوه‌های روضه‌خوانی، منسوب به همین کتاب است.

- «المنتخب فی جمع المراثی و الخطب» یا کتاب «الفخری»؛ اثر فخر الدین طریحی از علمای قرن یازدهم. مجمع البحرین و مطلع النیرین از آثار دیگر



اوست. در این اثر، تحریفات وجود دارد که در روضه خوانی‌های زمان ما پیدا می‌شود؛ مانند هل من ناصر ینصر الذریه الاطهار، کشته شدن هزاران نفر به دست امام، افسانه ساربان امام، خبر مسلم جصاص در کوفه و غیره.

- «تذکره الشهداء»؛ اثر ملا حبیب الله کاشانی (فت ۱۳۴۰هـ) از علمای عهد قاجار. وی آثار زیادی دارد؛ اما این اثر او که در باب عاشورا است، تحریفات و مجعولات را در خود جای داده است. از این رو، ارزش علمی ندارد. از جمله داستان درخواست پیاده شدن امام حسین از اسب توسط سکینه در هنگام وداع و موارد دیگر منسوب به همین کتاب است.

- «معالی السبطين»؛ اثر محمد مهدی حائری (۱۳۰۰-۱۳۸۵هـ). این کتاب در باب حسنین علیهما السلام است؛ ولی چون منابع او آثار معاصرانش بوده که همگی ضعیف‌اند، خالی از خرافات نمانده و تحریفات را در خود جای داده است. از جمله خروج پا برهنه لیل در هنگام شهادت علی اکبر و قصه پرنده خونین بال و شفای دختر یهودی و غیره، از محتوای این کتاب است.

- «نور العین فی مشهد الحسین» (ع)؛ منسوب به ابواسحاق اسفراینی (که در قرن پنجم گذشت) ولی در اصل، این کتاب به احتمال زیاد، جعلی بوده و با قصه‌سازی‌های عصر قاجار شبیه است. همان‌طور که مقتل جعلی در عصر قاجار به ابومخنف نسبت داده شده، این اثر نیز جعلی و به اسفراینی شافعی نسبت داده شده است. این اثر نیز مانند بقیه آثار پیش‌گفته، حاوی خرافات است.

#### آثار جدید و مبارزه با خرافات

- «لؤلؤ و مرجان»، اثر حسین بن محمدتقی نوری طبرسی (۱۲۵۴-۱۳۲۰هـ) مشهور به میرزای نوری یا محدث نوری است. محدث نوری با وجود تربیت شاگردان پربرابر مانند محدث قمی و غیره، آثار فراوان حدیثی نیز از خود به جا گذاشته است. به جز تألیفی که در باب تحریف قرآن داشته که آثار سنگینی بر تشیع باقی گذاشته، یکی از آثار او، همین کتاب لؤلؤ و مرجان است که در صد بیان تحریفات برآمده و اولین کسی است که تحریفات وارد شده در حادثه عاشورا را مورد نقد قرار داده است.

- «ثورة التنزيه»؛ اثر سید محسن امین عاملی، مؤلف اعیان الشیعه و کتاب‌های دیگر درباره ائمه معصومین. در آثار او درباره معصومین، سعی شده بر تحقیقات استوار باشد از جمله این اثر او متکی بر تحقیق بوده و در صدد مبارزه با خرافات است.

- «حماسه حسینی»؛ مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید مطهری که به تنقیح و پاک‌سازی تاریخ عاشورا پرداخته است.

- «نگاهی به حماسه حسینی»؛ اثر صالحی نجف‌آبادی که نقد حماسه حسینی است و در عین حال، لایه‌های دیگری از تحریفات را نمایانده است.

- «تحریف شناسی عاشورا در پرتو امام شناسی»؛ اثر داوود الهامی (۱۳۱۶-۱۳۷۹ش). است. وی بیشتر به تحریف معنوی عاشورا پرداخته و با تکیه به پشتوانه کلامی، به نقد گزاره‌هایی که با امامت منافات دارد، پرداخته است و به ورود لایه‌های از تفکر مسیحی، عرفانی و غیره در تاریخ عاشورا اشاره دارد.<sup>۷۲</sup>

#### تفاوت‌های رویکرد منابع

دیدیم که تاریخ عاشورا را فقط و فقط باید از منابع قرن اول تا هفتم تدوین کرد. منابع بعد از این، نباید پایه تحقیق قرار بگیرد؛ به این معنی که اگر به آن‌ها استناد صورت گیرد، باید تأییدی از منابع قرون قبلی داشته باشد. ضمن این‌که منابع قرن‌های قبلی نیز وحی منزل نیستند. گزارش‌هایی‌اند که احتمال راست و دروغ بودن در آن‌ها هست. از این رو دقت و احتیاط در آن‌ها نیز لازم است. اکنون، چند نکته در باب منابع قرون اولیه گفتنی است که گاه، از اشتباه جلوگیری می‌کند و گاه، باعث می‌شود محقق یا خواننده، گزیده‌تر سراغ منابع برود.

منابع تاریخی شیعی، از قدیم با دو روش و رویکرد عمده نگاشته شده‌اند؛ رویکرد نخست، رویکرد محدثان و سنت‌گرایان بوده است که بیشتر به مکتب قم اختصاص دارد. این رویکرد، تاریخ را از زاویه حدیث می‌نگرد و حتی خود



تاریخ را رنگ و بوی حدیث می‌دهد. منابع قمی‌ها مانند «تمام الدین و کمال النعمه»، «عیون اخبار الرضا» و دیگر آثار شیخ صدوق و نیز آثار دیگر مؤلفان قمی؛ مانند «کامل الزیارات» ابن قولویه از این قبیل‌اند.

رویگرد دیگر تاریخ‌نگاری شیعی، مکتب بغداد است که از اولین منابع آن، «الارشاد» شیخ مفید است و از منابع قرن هفتم، «کشف الغمه» اربلی است که هردو، با دید تحقیقی، عقل‌گرایانه و توأم با احترام با دیگران نوشته شده‌اند. به همین دلیل، از سوی مذاهب دیگر نیز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. مخصوصاً «کشف الغمه» که فوق العاده تأثیرگذار بوده و در گرایش شافعیان کردستان، عراق و غیره به اهل بیت (ع) نقش خوبی ایفا کرده است. از این رو، بایسته است واعظان و مداحان، هردو گرایش را مد نظر داشته باشند.

نکته بسیار مهمی که باید خاطرنشان گردد، شناسایی خط معجزه‌گرایان است؛ در طول تاریخ تاریخ‌نگاری شیعیان، همواره طیفی بوده‌اند که امامان را فقط از زاویه معجزات دیده و بر همین مبنا، کتاب‌های فراوانی در باب معجزات نوشته‌اند. این آثار، نه همه خوب‌اند و نه همه بد. بلکه غث و سمین زیادی دارند. آن مقداری که - معمولاً اندک‌اند - با سند صحیح قابل اثبات باشد، قبول است؛ ولی بسیاری از این معجزات، قصه‌های بی‌اصل‌اند. درحالی‌که اصل، در زندگی امامان، مشابهت با جامعه بوده است. حتی بلندترین معارف را با زبان ساده مردم می‌گفتند. لباس، خوراک، رفتارها، موعظه‌ها، بحث و جدل‌ها و اثبات و نفی مسائل را طبق فهم و زبان ساده و معمول مردم داشته‌اند. البته جایگاه بلند و معصومشان را نیز نباید از قلم انداخت. خلاصه این که: دقت در این منابع نیز ضروری است. به خصوص که روایات بی‌ریشه معجزات، در ازدیاد خرافات، نقش زیادی دارند.

از آنجایی که منابع امام حسین (ع) هم شیعی بود و هم عامی، گرایش‌های گوناگونی در آن‌ها هست. منابع سنی عراقی، عمدتاً عقل‌گرایانه بوده و تعصب نسبتاً کمتری در آن‌ها به چشم می‌آید؛ اما منابع حجازی، حدیث‌گرایانه‌تر و خشک‌ترند. به همین دلیل نسبت به شیعه و امامان، نگاه بدبینانه‌ای دارند. البته



حدیث‌گرایان و گرایش حجاز تا حد زیادی با آثار ابن حنبل تعدیل شده است. ابن حنبل حدیث‌گرا، با وجود مسیر نقلی و خالی از روش‌های عقلی‌اش، یک اقدام شجاعانه انجام داد و آن، نقل نسبتاً گسترده فضایل اهل‌بیت (ع) بود که اگر چنین نکرده بود، شاید تندروان امروزی، حتی در اسلام اهل‌بیت (ع) تردید می‌کردند! اما منابع تاریخی عراقی اهل سنت و بسیاری دیگر، نسبتاً معتدل‌اند که سعی کردیم آثار آن‌ها را ذکر کنیم؛ مانند ابوالفرج اصفهانی، محلی، ابن جوزی، ابن عدیم، نصر بن مزاحم، ابومخنف، محمد بن سائب کلبی، مدائنی، ابن ابی الدنیا، واقدی، جلودی، ابن سعد، طبری، ابن ندیم، براوستانی و غیره.

نکته دیگر این‌که: تا قرن هفتم و حتی هشتم، چیزی به نام روضه‌خوانی نداریم. هرچه داریم مرثیه است که معمولاً شعر شاعران یا اندکی، نثرند که در رثای اهل‌بیت (ع) مخصوصاً امام حسین (ع) نوشته و سروده شده‌اند. این مرثیه‌ها ارزش تاریخی ندارند و صرفاً بیان درد هستند با زبان حال و زبان شعری؛ اما از قرن دهم به بعد، محتوای این اشعار به صورت تاریخی درآمد؛ یعنی جمعی، محتوای اشعار را به صورت نثر و با ادبیات تاریخ، در کتاب‌های خودشان وارد کردند. سپس کسانی دیگر، کتابشان را با تکیه به این آثار نوشتند و کم‌کم اوهام و خرافات فراوانی وارد تاریخ عاشورا گشت. چند اثری را که نقش بیشتری در گسترش خرافات در تاریخ عاشورا داشته‌اند ذکر کردیم. بنابراین، باید بدانیم این آثار، به هیچ وجه منبع تاریخی نیستند و محتوایشان ارزش تاریخی ندارند؛ گر چند با ادبیات تاریخ نوشته شده‌اند. از این رو از استناد به آن‌ها باید پرهیز گردد.

نکته دیگر این‌که: در حدود چهار- پنج دهه اخیر، زوایای دید نسبت به عاشورا بسیار گسترده شده است. آثار فراوانی از زاویه سیاسی، فرهنگی، تربیتی، علمی، اجتماعی و غیره در باب قیام امام حسین (ع) نوشته شده‌اند. این آثار، به هیچ وجه منبع تاریخ نیستند؛ بلکه در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تحقیقات جدید هستند. این آثار، بیانگر زاویه دید نویسنده است. از این رو، فقط در تحلیل تاریخ عاشورا می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. مشروط به این که دیدگاهشان



قرائن و شواهد کافی از منابع اصلی داشته باشند و در تحلیل، از چارچوب علمی، خارج نشده باشند.

### منابع مرآئی

آیا مرآئی منابع دارند؟ مرآئی و محتوای قابل توجه روضه‌ها، عمدتاً بافته‌های شاعران، از قرن اول تاکنون و نیز، روضه‌خوانان قرن دهم به این سو هستند؛ و چون بدون پایه بوده و ساخته ذهن گویندگان‌اند، ارزش تاریخی و علمی ندارند. بسیاری از خرافات و تحریفاتی که متأسفانه امروزه، محتوای خیلی از روضه‌ها را شکل می‌دهند، از قرن دهم فراتر نمی‌روند. از آنجایی که مرآئی و روضه‌ها، بیان تأسف و حسرت و اظهار همدردی است، باید در قالب شعر و غیره و به صورت زبان حال بیان گردد؛ نه این‌که به عنوان تاریخ مسلم، به خورد مردم داده شود. بهترین نمونه‌های مرآئی، رثاهای قرون اولیه است که بسیاری از منابع شیعی و سنی، نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام کرده‌اند. البته در رثا نیز نباید جانب اعتدال را از دست داد.

### جمع‌بندی

امام حسین (ع) به مثابه یک رهبر آزاده، مورد احترام همه مذاهب اسلامی و حتی مذاهب و مکاتب غیر اسلامی بوده و خواهد بود. به همین دلیل، انگیزه فراوان برای پرداختن به تاریخ زندگی و مخصوصاً شهادت ایشان وجود داشته است؛ اما توجه ویژه به تاریخ این امام همام، همواره مسیر تعادل را طی نکرده و گاه، محبت‌ها، مسیر درستی را پیش پای بازگو کنندگان تاریخ آن حضرت نگذاشته است. از این رو، تحریف‌ها، دروغ‌ها و نامهربانی‌هایی بر چهره تاریخ عاشورا تحمیل شده است. لازم است منابع عمومی و خصوصی تاریخی مورد شناسایی قرار گیرد. تا بررسی تاریخ عاشورا از خطرات نسبی به دور باشد. البته منابع تاریخ امام حسین (ع)، منابع حدیثی، کلامی و حتی تفسیری نیز هستند؛ ولی در این مقال، به خاطر ابتلای عموم، صرفاً زاویه تاریخی و ارائه فهرستی از منابع قابل قبول و منابع نادرست تاریخی مورد توجه بوده است.

## منابع

١. ابن ابار بلنسی، محمد بن عبدالله القضاعی، *درر السمط فی خبر السبط*، دار المغرب الاسلامی، بیروت، ١٤٠٧هـ
٢. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، دار الصادر، بیروت، ١٣٨٥ ش.
٣. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ١٤١١هـ
٤. ابن العدیم، عمر بن أحمد بن هبة الله، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، به کوشش: د. سهیل زکار دار الفکر، بی.جا. بی.تا.
٥. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، به کوشش: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم ١٤١٣هـ
٦. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، به کوشش: محمد عطا - مصطفی عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤١٢/١٩٩٢.
٧. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکره الخواص*، منشورات الشریف الرضی، قم، ١٤١٨هـ
٨. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، (الطبقة الخامسة)، به کوشش: محمد بن صامل السملی، مکتبة الصدیق، الطائف، ١٤١٤/١٩٩٣.
٩. ابن شهرآشوب، محمد بن علی مازندرانی، *معالم العلماء*، المطبعة الحیدریة، نجف، ١٣٨٠هـ
١٠. \_\_\_\_\_، *المناقب*، انتشارات علامه، قم، ١٣٧٩هـ
١١. ابن طاوس، رضی الدین علی بن موسی، *التهوف علی قتلی الطفوف*، نشر جهان، تهران، ١٣٤٨ ش.
١٢. ابن عبد ربه، شهاب الدین احمد بن محمد، *العقد الفرید*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤٠٤هـ
١٣. ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق*، به کوشش: علی شیری، دار الفکر، بیروت، ١٤١٥هـ
١٤. ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل بن کثیر، *البدایة و النهایة*، دار الفکر، بیروت، بی.تا.
١٥. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، دار المعرفة، بیروت، بی.تا.



۱۶. ابن نما، جعفر بن محمد حلّی، *مثیر الأحران*، مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم، ۱۴۰۶ هـ
۱۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، انتشارات رضی، قم، ۱۴۲۱ هـ
۱۸. اردبیلی، محمد بن علی، *جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ
۱۹. استرآبادی، محمد بن علی، *منهج المقال*، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۲۲ هـ
۲۰. اسفرائینی، ابواسحاق، *نور العین فی مشهد الحسین*، مکتبه المنار، تونس. بی تا.
۲۱. اسفندیاری، محمد، *کتاب شناسی تاریخی امام حسین (ع)*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، *مقاتل الطالبیین*، دار المعرفة، بیروت، بی تا.
۲۳. امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ هـ
۲۴. بغدادی، إسماعیل باشا، *هدیه العارفين فی أسماء المؤلفين وآثار المصنفين*، وكالة المعارف، استانبول، ۱۹۵۱ م.
۲۵. بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷/۱۹۹۶.
۲۶. تمیمی، أبو العرب محمد بن أحمد، *المحزن*، به کوشش: دکتر عمر سلیمان العقیلی، دار العلوم، ریاض، ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۴ م.
۲۷. تهرانی، آقابزرگ، *النریعة إلی تصانیف الشیعة*، انتشارات اسماعیلیان، قم و کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۴۰۸ هـ
۲۸. جمعی از نویسندگان، *عاشورا نامه*، ج ۴، انتشارات خیمه، قم، ۱۳۸۸.
۲۹. چلبی، مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون*، مکتبه المثنی، بغداد، ۱۹۴۱ م.
۳۰. حلّی، ابن نما، *مثیر الأحران*، مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم، ۱۴۰۶ هـ
۳۱. حلّی، حسن بن یوسف، *إيضاح الإشتباه*، به کوشش: حسن حسون، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ هـ

۳۲. خوارزمی، موفق بن احمد، *مقتل الحسين عليه السلام*، انتشارات انوار الهدی، قم، ۱۴۲۳هـ
۳۳. دینوری، احمد بن داود، *الأخبار الطوال*، به کوشش: عبد المنعم عامر - جمال الدین شیال، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۸ش.
۳۴. رازی، ابوعلی بن مسکویه، *تجارب الأمم*، به کوشش: ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
۳۵. زرکلی، خیر الدین، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م، چاپ هشتم.
۳۶. ساعدی، حسین، *الضعفاء من رجال الحديث*، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم، ۱۴۲۶هـ
۳۷. شجری، محمد بن علی، *فضل زیارة الحسين*، به کوشش: حسینی - مرعشی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳هـ
۳۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳هـ
۳۹. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *المعجم الكبير*، به کوشش: حمدی بن عبد المجید السلفی، مکتبه ابن تیمیة، قاهره، چاپ دوم، بی تا.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، آل البیت، قم، ۱۴۱۷هـ
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
۴۲. طبری، عماد الدین حسن بن علی، *کامل بهایی*، مکتبه المرتضویة، تهران، بی تا.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، به کوشش: علی آخوندی - حسن خرسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۴۴. \_\_\_\_\_، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، به کوشش: علی آخوندی، حسن خرسان، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ش.
۴۵. \_\_\_\_\_، *فهرست کتب الشیعة*، به کوشش: عبدالعزیز طباطبائی، مکتبه المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰هـ
۴۶. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹هـ



۴۷. قمی، ابن قولویه، *کامل الزیارات*، دار المرتضویة، نجف، ۱۳۵۶ هـ
۴۸. قهپایی، عنایة الله، *مجمع الرجال*، به کوشش: ضیاءالدین علامه، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ هـ
۴۹. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، به کوشش: مهدی رجایی، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۴ هـ
۵۰. کاشفی، ملا حسین، *روضه الشهداء*، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
۵۱. مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، به کوشش: اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ هـ
۵۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، مطهر بن طاهر المقدسی، به کوشش: بور سعید، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.
۵۳. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، به کوشش: شبیری زنجانی، جامعه مدرسین حوزة علمیه، قم، ۱۳۶۵ ش.
۵۴. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بیروت، ۱۴۲۹ هـ
۵۵. نیشابوری، أبو عبدالله الحاکم، *المستدرک علی الصحیحین*، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۱ هـ
۵۶. نیشابوری، فتال، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، دلیل ما، قم، ۱۴۲۳ هـ
۵۷. یعقوبی، احمد بن واضح، *تاریخ الیعقوبی*، دار صادر، بیروت، بی تا.
- مجلات**
۵۸. صحتی، محمد، *کتاب های اسلامی*، شماره ۱۸، سال ۱۳۸۳ ش.
۵۹. حسینی، سید محمدرضا، *تراثنا*، شماره ۲، سال اول، ۱۴۰۶ هـ